

مسعود اسداللهی، کارشناس مسائل منطقه در یک نشست تحلیلی پیرامون جنگ غزه مطرح کرد نتایج هومی خواهد برای اولین بار به واشنگتن «نه» بگوید



Getty images

گزارش

گروه سیاسی

دو قطبی شدن جامعه صهیونیستی، عامل اصلی فروپاشی رژیم خواهد بود.

مهمترین مخالف دولت فعلی اسرائیل، بنی گانتس وزیر جنگ بوده اما خودش به همین کابینه جنگ پیوسته است. در فضای بین المللی هم برخلاف نکته‌ای که شما به آن اشاره کرده‌اید، معلوم نیست که پایان جنگ چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ خبرنگاری از مقامات امریکایی بارها پرسید که آیا واقعاً ضرب الاجل پایان سال میلادی وجود دارد؟ آنها در پاسخ منکر شدند و گفتند که تصمیم با اسرائیلی‌هاست که چه زمانی می‌خواهند جنگ را تمام کنند. این یعنی هم در داخل اسرائیل ایزورسین آنقدر قدرتمند نیست که بتواند میدان‌داری کند و هم امریکایی‌ها در فضای بین‌المللی نمی‌توانند کاری بیش ب برند.

پوستن بنی گانتس به دولت نتانیاها، دستور امریکایی‌ها بود. امریکا، بنی گانتس را به نتانیاها تحمیل کرد. به این دلیل که کاندیدای امریکایی‌ها برای جایگزینی نتانیاها، همین فرد است. همین الان هم در همان کابینه و در جلساتی که گزارشات آن در واشنگتن پست و نیویورک تایمز منتشر می‌شود، دعوی شدیدی در گرفته و برخی از وزرای این کابینه هم اصرار دارند که بنی گانتس را اخراج کنند. چیزی که می‌دانند این فرد با فشار امریکا روی کار آمده است. الان محبوبیت بنی گانتس بسیار بیشتر از خود نتانیاها شده است. چون با ورود به کابینه، به مردم اسرائیل می‌گوید که در این اوضاع بحرانی از شما دفاع می‌کنم و در عین حال با سیاست‌های نتانیاها در خیلی از جاها مخالفت می‌کند. این یک برنامه امریکایی است. نکته دیگر مواضع امریکایی‌هاست. مقامات ایالات متحده وقتی که این جموعی را از نتانیاها می‌بینند، حدس می‌زنند که آن ضرب الاجلی که تعیین کرده‌اند، اجرا نشود. این است که در مواضع رسانه‌ای خود یک چیزی می‌گویند و در حفا بحث دیگری را دنبال می‌کنند. چون حدس شان این است احتمال هم دارد که درست باشد- در آن تاریخ مشخص شده نتانیاها این کار را انجام ندهد. در آن موقع هیبت امریکا بیش از پیش فرو خواهد ریخت. بنابراین با چنین اظهارنظر متناقضی و طبق اخباری که از کابینه نتانیاها بیرون می‌آید و همچنین وقتی که وزیر امور خارجه، رئیس سازمان سیا و وزیر دفاع به فلسطین اشغالی می‌روند، رسانه‌های امریکایی از ضرب الاجل تعیین شده خبر می‌دهند. اما در واکنش به آن می‌بینیم که جان کرینی تکذیب می‌کند. چراکه امریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نتانیاها به احتمال زیاد این ضرب الاجل را اجرا نمی‌کند و در این صورت مشکل بزرگی برای جوبایدن ایجاد خواهد کرد.

پوستن بنی گانتس به دولت نتانیاها، دستور امریکایی‌ها بود.

دو صحت‌های قبلی خود گفته بودید که اگر آتش بسی بین اسرائیل و فلسطین رخ دهد، شروع دوباره جنگ برای اسرائیل خیلی سخت و تقریباً غیرممکن خواهد بود. اما در آتش بس قبلی دیدیم که اسرائیل جنگ را شروع کرد. در شرایط فعلی وضعیت اسرائیل را در قبال آتش بس محتمل پیش رو چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در آن زمان، شروع جنگ پس از برقراری آتش بس را از این منظر برای صهیونیست‌ها سخت می‌دانستم که سبب محکومیت بیشتر اسرائیل به عنوان طرف نقض کننده آتش بس می‌شد. وضعیتی که الان شاهد هستیم در اثبات چنین مدعایی است. موج ضد اسرائیلی علیه رژیم صهیونیستی بعد از نقض آتش بس چهار روزه که هفت روز به طول انجامید، بسیار بیشتر از قبل شد. دیگر هر نوع ادعایی از سوی نتانیاها یا هر فرد دیگری، خریداری در دنیا ندارد. این رژیم تصمیم گرفت که جنگ را با وجود هزینه‌ای که قرار است بپردازد، ادامه دهد. سختی هایش را نایزدید گرفته اما دارد بهای سنگینی بابت آن پرداخت می‌کند. او درون رژیم صهیونیستی دعوی بسیار سختی در خصوص ادامه جنگ وجود دارد. مخالفان استمرار جنگ معتقدند که این جنگ تا هر کجا که ادامه پیدا کند نتیجه‌ای جز کشتن بی‌گناهان و ویرانی بیشتر نداشته و سبب نابودی چهره‌های خواهد شد که اسرائیل با مظلوم‌نمایی از خود ساخته است. اسرائیل در تمام این سال‌ها خود را به عنوان تنها دموکراسی منطقه و نگهدارنده تمدن غرب در این منطقه می‌دانسته اما همه این ادعاها با جنگ جاری از بین رفته است.

بنابراین، آنچه که نباید اتفاق می‌افتاد توسط خودشان روی داده است. این یک مرحله جدیدی از وضعیت صهیونیست‌ها به حساب می‌آید. از وضعیت صهیونیست‌ها به حساب می‌آید. از وضعیت صهیونیست‌ها به حساب می‌آید. از وضعیت صهیونیست‌ها به حساب می‌آید.

شاید اعتبار رژیم صهیونیستی خرد شده است. این نتیجه همچنان نقض آتش بس است. اگر اسرائیلی‌ها درست تصمیم‌گیری می‌کردند و خوی نفرت بر تصمیم‌گیری هایشان حاکم نبود، باید همان آتش بس چند روزه را بهانه کرده و آن را تبدیل به آتش بس دائمی می‌کردند. اما همان‌طور که پیش از این هم تصمیمات غلطی گرفته بودند الان هم چنین کاری کرده‌اند و بهیاتی آن را هم می‌پردازند.

در فضای بین‌المللی و افکار عمومی دنیا، همین موضع حاکم است. اما در داخل اسرائیل این گونه به نظر نمی‌رسد. با وجود حمایت امریکایی‌ها از رژیم صهیونیستی، چگونه می‌توان جنگ را متوقف کرد؟ تأثیر افکار عمومی جهان بر میدان جنگ چیست؟

بحثی که مطرح کردیم در مورد افکار عمومی جهانی بود. آنهایی که در داخل رژیم از حملات به غزه حمایت می‌کنند، همان‌هایی هستند که پشت نتانیاها قرار گرفته‌اند. حالی که جناح مقابل نتانیاها، به‌شدت مخالف ادامه جنگ است. درست است که مادر سه سرباز کشته شده اسرائیل، آن را یک اتفاق می‌داند و اعتراضی به صهیونیست‌ها نمی‌کند اما ده‌ها مادر دیگر هستند که به‌شدت نسبت به چنین وضعیتی اعتراض می‌کنند. بخصوص آنهایی که جوانان شان به دست حماس به اسارت رفته‌اند. آنها تظاهرات می‌کنند، دست به تحصن می‌زنند و... این خود نشان دهنده دودستگی در رژیم صهیونیستی است. ضرب الاجلی که از سوی آمریکا هم تعیین شده، هنوز فرا نرسیده است. آنچه که از سوی جهان غرب مطرح شده، جنگ تا آخر سال مسیحی است که دهه اول دی ماه باید به پایان برسد و دیگر پس از آن ادامه پیدا نکند.

اما بنیامین نتانیاها با توجه به حمایتی که جناح افراطی از او می‌کند، می‌خواهد برای اولین بار در روابط امریکا و اسرائیل، «نه» بگوید و در مقابل حامی اصلی خود سرکشی می‌کند. این پدیده جدید نشانه افول اسرائیل است. اسرائیل اگر تا الان هم باقی مانده، به دلیل حمایت‌های بی‌چون و چرای غرب بوده اما این بار این رابطه در حال خدشه دار شدن است. در نهایت این دو دستگی و

با نگاه به آنچه که در میدان جنگ غزه رخ می‌دهد، استقرار مائین جنگی اسرائیل در آن نقطه به این معناست که این رژیم به دنبال به دست آوردن میدان وسیع‌تری برای رسیدن به قدرت جاه‌زنی بیشتر در آتش بس پیش رو است؟

اصولاً این نوع پیشروی‌ها، به معنی پیشروی‌های جنگ کلاسیک نیست. این یک جنگ نامتوازن است. در این جنگ یک

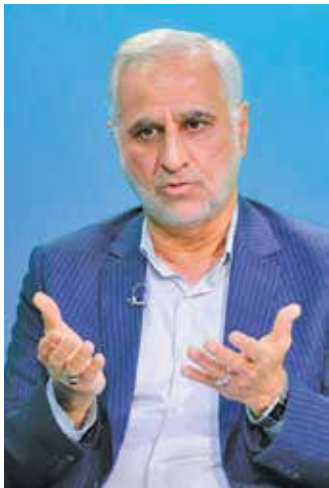
کنیم. این جمله تبدیل به شعار حماسی‌ها شده است و گواه این است که حماس تحت فشار قرار ندارد. پس پیشروی ارتش اسرائیل را نباید نقطه قوت این رژیم بدانیم. آنها با این کار فقط خود را در مهلکه درگیری می‌کنند.

یک سناریوی بدبینانه هم مبنی بر عدم امکان زمان پیش‌بینی شکست اسرائیل مطرح است. این رژیم اهدافی را اعلام کرده است که اگر به آنها نرسد، یعنی شکست خورده است. همه هم می‌گویند که تا الان کفه به نفع اسرائیل نیست و به سمت مقاومت سنگینی می‌کند. اما چه زمان می‌گوییم مقاومت شکست خورده است؟ بدبینانه است ولی از نظر شما در چه صورت می‌گوییم که مقاومت در جنگ شکست خورده است؟

از نظر معیارهای جنگ نامتوازن، گروه کوچک هرگاه تسلیم شود و یا از بین برود، یعنی شکست خورده است. اما باقی ماندن آن گروه کوچک به معنای پیروزی است. در جنگ ۳۳ روزه هم این‌گونه بود. زمانی که یک اسرائیلی جمله جالبی گفت. او گفت که «حزب‌الله پیروز شد، چون شکست نخورد و اسرائیل شکست خورد، چون پیروز نشد.» در یک جنبه برابر همه توقع دارند که آن قدرت بزرگتر پیروز شود، وقتی که پیروز نمی‌شود در واقع شکست خورده است. حزب‌الله توانست در جنگ ۳۳ روزه مقاومت کند، ضربه را بزند و تلفات هم وارد کند و بعد از آن هم سرا بایستاد. این را به معنی پیروزی حزب‌الله دانستند. الان به معیار تبدیل شده است. نه تنها در مورد حزب‌الله، بلکه هر گروه کوچکی که در جنگ تسلیم نشود و باقی بماند، یعنی پیروز است. آتش بس چه امروز اعلام شود و چه یک ماه دیگر، به محض اینکه اعلام شود و حماس همچنان زنده و سرپا باشد، یعنی حماس پیروز میدان بوده است.

ولو اینکه رهبران اش از بین بروند؟ اگر چهره‌های برتر و ویژه مثل محمد سنوار، یحیی سنوار و محمد صیغف و... در این محرکه شهید بشوند باز هم می‌توان از پیروزی حماس گفت؟ نفس وجود بدنه‌ای که سران رده اول آن به شهادت رسیده‌اند به منزله پیروزی اسرائیل نیست؟

اگر شهادت این افراد منجر به از هم پاشیدگی حماس و در نهایت تسلیم آن شود، یعنی شکست، اما اگر بلافاصله این افراد را با افراد دیگری جایگزین کنند و به اسارت ادامه دهند، یعنی پیروزی حماس. اسایدعباس موسوی دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان را به شهادت رساند. به خیال خود، یعنی نابودی حزب‌الله را رقم زد. آنها الان اعتراف می‌کنند که این تحلیل اشتباه بزرگی بود. می‌گویند سیدعباس موسوی را کشتیم اما فردی به جای او آمد بسیار تواننا تر از او. صحبت حماس هم همین است. می‌گویند درست است که اینها شخصیت‌های برتر ما هستند اما از سال‌های پیش خود را برای شهادت



اساساً خبر تعیین پایان سال میلادی به عنوان زمان پایان جنگ از کجا آمده است؟ این یک تحلیل است؟ یا اگر خبر است منبع آن به شهادت

رسیده‌اند. قطعاً ادامه این روند جز هزینه بسیار سنگین اعتباری و انتخاباتی برای شخص جوبایدن، دستاورد دیگری برای جهان غرب ندارد

این موارد در هارتص و رسانه‌هایی که در اسرائیل مخالف جناح حاکم هستند مطرح شده است. در گزارش‌های مختلف رسانه‌های امریکایی مثل نیویورک تایمز و واشنگتن پست هم به این موضوع اشاره شده است. اما اینکه ضرب الاجل تعیین شده کریسمس است یا اول ژانویه ۲۰۲۴ یا پس از تعطیلات سال نو میلادی، بحث زیادی وجود دارد. هرچقدر که جلوتر می‌رویم این زمان هم عقب‌تر می‌رود. چون امریکایی‌ها متوجه می‌شوند نتانیاها نمی‌خواهد دستورش را اجرا کند. آنان و حتی کسانی که حرفی از ضرب الاجل هم زده‌اند به‌صورت غیرمستقیم می‌گویند که چنین وضعیتی قابل ادامه دادن نیست. وقتی می‌گویند قابل ادامه دادن نیست یعنی تحلیل‌شان این است که این جنگ هرچقدر هم ادامه پیدا کند، جز نتیجه فعلی یعنی کشتن بی‌گناهان و غیرنظامی‌ها و افزایش ویرانی‌ها، حاصل دیگری ندارد و از آن مهم‌تر، هیچ‌کدام از رهبران اصلی حماس تا الان که نزدیک به ۸۰ روز از آغاز جنگ می‌گذرد، نه دستگیر شده‌اند و نه به شهادت رسیده‌اند. قطعاً ادامه این روند جز هزینه بسیار سنگین اعتباری و انتخاباتی برای شخص جوبایدن، دستاورد دیگری برای جهان غرب ندارد. پس به‌طور منطقی حتی اگر بخواهیم به شیوه تحلیلی هم به این موضوع نگاه کنیم، امریکا نمی‌تواند یک سقف باز را برای جنگی در نظر بگیرد که دو ماه و نیم از آغاز آن می‌گذرد و نتیجه‌ای جز ویرانی نداشته است. اگر دو ماه و نیم دیگر هم ادامه پیدا کند باز هم معلوم نیست چه اتفاقی خواهد افتاد.

آماده کرده بودند. هر آن ممکن است که شهید شوند. هیچ تضمینی هم وجود ندارد، چرا که همه اینها همچون مردم عادی در معرض بمباران قرار دارند. بنابراین اگر یک نفر از این چهره‌های ارشد به شهادت برسد و بلافاصله حماس بتواند جایگزین وی را تعیین کند به معنی پیروزی است. از ۷ نفر چهره‌های اصلی رهبران حماس، یک نفر در مرحله پیش از آتش بس شهید شد. با اینکه وی از چهره‌های اصلی حماس بود، بلافاصله جایگزین وی و رهبران حماس، یک نفر در مرحله پیش از آتش بس شهید شد. با اینکه وی از چهره‌های اصلی حماس بود، بلافاصله جایگزین وی و رهبران حماس، یک نفر در مرحله پیش از آتش بس شهید شد. با اینکه وی از چهره‌های اصلی حماس بود، بلافاصله جایگزین وی و رهبران حماس، یک نفر در مرحله پیش از آتش بس شهید شد.

اما افرادی از مردم فلسطین اعتراضاتی داشته‌اند؛ بله؟

نقشی به حکومت خودگردان داده شد تا بیاید و تظاهرات ضد حماس را برپا کند. تمام نشان هم تنها یکی دو مورد بوده است. نظرسنجی، نوشته بود که حمایت از حماس در کرانه باختری بسیار بالا رفته است. در حالی که قدرت اصلی حماس در غزه است. نمی‌خواهم انکار کنم که در برخی مواقع مردم غزه از حماس می‌خواهند که توافق کند ولی یک وضعیت تبعیدی است. مردم غزه بین عار و مرگ، مرگ را انتخاب می‌کنند. آنها می‌گویند که در این سال‌ها سختی‌های زیادی را به دلیل محاصره غزه شاهد بوده‌ایم و دیگر تضمین خود را گرفته‌ایم. مرگ یک بار ششون هم یکبار، این دفعه کاری کنیم که دیگر اسرائیل جرأت حمله پیدا نکند. یعنی خواستند که نوعی بازآ زندگی ایجاد کنند و این فجایع را به جان خریدند. شنیده می‌شود که در فلسطین پرچم داعش را بلند می‌کنند. آنها می‌خواهند این را القا کنند که کسانی که از آنان حمایت می‌کنند، داعشی هستند. اینها حرکت‌های حساب شده است.

مردمی نیست. مادر جنگ ۳۳ روزه هم دیدیم که در فلسطین پرچم داعش را بلند می‌کنند. آنها می‌خواهند این را القا کنند که کسانی که از آنان حمایت می‌کنند، داعشی هستند. اینها حرکت‌های حساب شده است. مردمی نیست. مادر جنگ ۳۳ روزه هم دیدیم که در فلسطین پرچم داعش را بلند می‌کنند. آنها می‌خواهند این را القا کنند که کسانی که از آنان حمایت می‌کنند، داعشی هستند. اینها حرکت‌های حساب شده است. مردمی نیست. مادر جنگ ۳۳ روزه هم دیدیم که در فلسطین پرچم داعش را بلند می‌کنند. آنها می‌خواهند این را القا کنند که کسانی که از آنان حمایت می‌کنند، داعشی هستند. اینها حرکت‌های حساب شده است. مردمی نیست. مادر جنگ ۳۳ روزه هم دیدیم که در فلسطین پرچم داعش را بلند می‌کنند. آنها می‌خواهند این را القا کنند که کسانی که از آنان حمایت می‌کنند، داعشی هستند. اینها حرکت‌های حساب شده است. مردمی نیست. مادر جنگ ۳۳ روزه هم دیدیم که در فلسطین پرچم داعش را بلند می‌کنند. آنها می‌خواهند این را القا کنند که کسانی که از آنان حمایت می‌کنند، داعشی هستند. اینها حرکت‌های حساب شده است.

وضعیت انسانی نوار غزه از باب تأثیری که بر مقاومت فلسطین می‌تواند بگذارد چگونه است؟ فکر نمی‌کنید که فشار وارده بر مردمی که ۲۰ هزار نفر از آنان شهید شده‌اند، در نهایت سبب کوتاه آمدن مقاومت شود؟ مشکل حماس قدرت نظامی‌اش نیست. حماس به همه هم‌پیمانان خود اطمینان می‌دهد که ما تدارک جنگ چندماهه‌ای را دیده‌ایم و آماده‌ایم که آن را ادامه دهیم. مشکل حماس، مردم است. مردمی که خانه‌ها و بیمارستان و مدارس بر سرشان ویران می‌شود و هزاران شهید می‌دهند. این موضوع می‌تواند تأثیرگذار باشد. اما باید یک



پیوستن بنی گانتس به دولت نتانیاها، دستور امریکایی‌ها بود.

بنی گانتس به دولت نتانیاها، دستور امریکایی‌ها بود. امریکا، بنی گانتس را به نتانیاها تحمیل کرد. به این دلیل که کاندیدای امریکایی‌ها برای جایگزینی نتانیاها، همین فرد است. همین الان هم در همان کابینه و در جلساتی که گزارشات آن در واشنگتن پست و نیویورک تایمز منتشر می‌شود، دعوی شدیدی در گرفته و برخی از وزرای این کابینه هم اصرار دارند که بنی گانتس را اخراج کنند. چرا که می‌دانند این فرد با فشار امریکایی‌ها آمده است.

بنی گانتس به دولت نتانیاها، دستور امریکایی‌ها بود. امریکا، بنی گانتس را به نتانیاها تحمیل کرد. به این دلیل که کاندیدای امریکایی‌ها برای جایگزینی نتانیاها، همین فرد است. همین الان هم در همان کابینه و در جلساتی که گزارشات آن در واشنگتن پست و نیویورک تایمز منتشر می‌شود، دعوی شدیدی در گرفته و برخی از وزرای این کابینه هم اصرار دارند که بنی گانتس را اخراج کنند. چرا که می‌دانند این فرد با فشار امریکایی‌ها آمده است.